

علم کتا، فلسفه بی همتا

ز ستناسی همراه با فزک و شمی، سه سنگبنای علم تجربی مدرن را تشکیل مدهند. اما از م ان آنها، ا ن ستناسی است که اهمیت و ژهای دارد و آنهم به ا ن دل است که بدنهای ما انسانها قرار است با ا ن علم توصف شود. از هم ن رو فلاسفه علم توجه و ژهای به ا ن علم دارند. پاسخ به پرسشهای فلسفه ز ستناسی به سرعت به نتایج اخلاقی-دینی م انجامد. ا ن در حال است که مسائل فلسفی فزک و شمی تا حدود زادی مستقل از اخلاقیات و ملاحظیات اجتماعی هستند. به عنوان نمونه، آ ما توان س ستمهای زستی را با قوا ن فزک تب ن کرد؟ اگر آری پس، موجود زنده چه زی ن است جز اجزائی که بر آنها قوا ن فزک حاکم هستند (اگر چ ن است اخلاق را م توان به نحوی معنادار و اصل تعریف کرد؟) اما اگر خ ر، پس موجود زنده چه چ ز اضافهای دارد که آنرا فزکی م سازد؟ ا ن پرسش که آنظر م تکامل دارو ن با آموزه های اد ان ابراه می سازگار است؟ اگر ن است، کدام ک با انگر حقا ق زستی هستند؟ آ ما توان آموزه های دینی را چنان قرائت کرد که با نظر م تکامل دارو ن سازگار شوند؟ ا نها همگی مسائلی هستند که در فلسفه ز ستناسی مجال پرسش مدهام کنند.

اگر چه فلسفه علم در ا ران سابقهای چند دههای دارد، فلسفه ز ستناسی که ز رشخهای از آن است، مهجور مانده است. تا جا که نو سنده ا ن سطور آگاهی دارد ه چ کتایی که به نحو مستقیم با مسائل فلسفه ز ستناسی مرتبط باشد، ترجمه نشده است. تنها در گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شرف است که درسی با عنوان فلسفه ز ستناسی چندین مسال کبار ارائه م شود. همچن ن با اننامه های معدودی در ا ن موضوع به نگارش در م آند. همه ا نها در حال است که بافت فرهنگی-دینی ما ز به ا ن رشته را چند برابر م کنند. به نظر م رسد که دل ا ن موضوع نبود افراد متخصص در ز ستناسی است. همانند سایر فلسفهای علوم، شخصی که در فلسفه X کار م کند، با ا ن ابتدا تخصص لازم در X داشته باشد. دوباره تا جا که نو سنده اطلاع دارد ف لسوف علمی در ا ران ن است که حداقل تخصصیات کارشناسی اش در ز ستناسی باشد. با ا ن وجود جای بسی خوشحالی است که از م ان پزشکان عده های دغدغه ا ن رشته را حس کرده و به آن مشغول شده اند. از م ان آنها دکترو حسن م انداری است که چند ن سال است به تدریس و پژوهش در فلسفه ز ستناسی مشغول است. از هم ن رو مصاحبهای با ا شان توت م داده شده است که به نحو مبسوطی خواننده را با طرح اول م فلسفه ز ستناسی آشنا م کند. دو مبحث اصلی در فلسفه ز ستناسی یعنی قانونمند بودن و امکان تحویلپذیری آن به علوم پایه تر، که در مقالهای ا ن شماره مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند، توسط دکترو انداری گشوده م شوند. ا شان همچن ن پرسشهای مربوط به نظر م تکامل دارو ن را پاسخ و اجزای آنرا شرح م دهند. ارتباط نظر م تکامل با ملاحظیات اخلاقی و دینی آخر ن بخش از مصاحبه ا شان است که در جامعه ما م تواند موضوعی جذاب قلمداد شود. منازعه خلقتگرا ان با تکاملگرا ان دارو نی از جمله جد تر ن مباحث فلسفه ز ستناسی است که برای چالش جد تر علم و دین نتایج عمقی دارد. بر اساس نظر خلقتگرا ان، جهان با گونه های ثابت محصول آفرینش خداوند است که بدون مداخله دائم وی، ن است م شود. ظاهراً ا ن در مقابل آموزه دارو نی قرار م گرد که مبتنی بر آن گونه ها تکامل م ابند. بر اساس ا ن نظر م، قانون حاکم بر تکامل گونه ها، انتخاب طبع م است که مبتنی بر اختلاف در صفات ژنی ا پد داری موجودات زنده، که م تواند «تصادفی» باشد، عمل م کند. ما کل روس از فلاسفه مشهور ز ستناسی در مقاله «خلقتباوری» سعی م کند با نگاهی تاریخی-اجتماعی ا ن آموزه و هسته اصلی آن را موشکافی کند تا از ا ن طریق آن را از سایر آموزه های نزدیک متما ز کند. خواننده های که به رابطه علم و دین علاقه دارند، ا ن مقاله را م فده خواهد افت.

نظر م تکامل دارو ن اگر چه طرح ساده های دارد، تعمق در آن با مشکلات مفهومی همراه است. به عنوان نمونه و همانطور که بیشتر خاطرنشان شد، برای ا نکه انتخاب طبعی عمل کند به وجود وردش ا اختلاف م ان و ژگهای ژنی ا پد داری موجود زنده ن از دارد. حال ا ن پرسش متاف فزکی مطرح م شود که شانس چه نقشی در پد ا آمدن وردش دارد. آ ما توان ادعا کرد حالا که شانس در رخ دادن وردش نقش دارد، پس بستر نظر م تکامل شانس و تصادف است؟ ا ن پرسشها همراه با مسائل معرفتشناختی نظر م تکامل در مقاله ا لوت زوبر با عنوان «موضوعات متاف فزکی و معرفتشناختی در نظر م دارو نی معاصر» مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند. امکان تحویل ملاحظیات موجودات زنده و قوا ن ن حاکم بر آنها به موجودات و قوا ن فزکی، موضوع اساسی دگری است که در مقاله «امکان تقلیل تب نهای ز ستناسی به تب نهای فزکی و شمی» نوشته ی کیرمورد کنکاش واقع شده است. بر اساس ا ن نظر م، تب نهای ز ستناسی را در نهایت م توان با تب نهای شمی و فزکی جاگزین کرد و اساساً ز ستناسی تب ن جدیدی ندارد که در فزک و شمی نباشد. اگر چه کلر در ا ن مقاله به امکان مذکور مثبت نگاه م کند، جان

دوپره در پاسخ وی نظری منفی اتخاذ م کند. خواننده علاقه‌مند به پاسخ دوپره م تواند به اصل مقاله وی که در همان کتاب به چاپ رس ده است، مراجعه کند.

کی از اختلافهای اساسی م ان ف ز ک و ز ستناسی، تما ز آنها در قانونمند بودنشان است. روشن است که ف ز ک مبتنی بر قواذ نی است که تخطی از آنها صورت نه پذیرد. به عنوان نمونه، تمامی گولهاها هنگام پرتاب از قواذ ن د نام کی و گرانش ن وتن پ روی م کنند و ه یچ نمونهای افت نه شود که از آن تخطی کند. اما بخش عظمی از ز ستناسی با نام ز ستناسی کارکردی به قواذ ن حاکم بر پد دهها ی م پردازد که استثناء بردار هستند و ضرورتی ندارند. مارک لنج در مقاله خود با عنوان «قواذ ن و نظر هها» م کوشد تا بر اساس شرط های خلاف واقع نظر های در مورد قواذ ن طبعی ارائه کند که طبق آن ز ستناسی ن ز قانونمند شود.

کوان الستی در مقاله «طبقه‌بندی، گونه‌های ز ستناسی، و انواع طبعی» مسأله متاف ز کی د گیری از ز ستناسی را مورد بحث و بررسی قرار م دهد که به رابطه انواع طبعی و گونه‌های ز ستناسی مربوط م شود. برخی از فلاسفه باور دارند که موجودات جهان را بر اساس معاری ذاتی کارکردی م توان در طبقه‌بندی ها ی قرار داد. از طرفی د گر ز ستناسان ن ز موجودات زنده را در گروهها ی قرار م دهند که با نام گونه‌های ز ستناسی مشهور هستند. آ ۱۱ ن دو نوع طبقه‌بندی با کد گر مرتبطاند و آ م توان بر اساس گونه‌های ز ستناسی، انواع طبعی متناظر را صورتبندی کرد؟ خواننده علاقه‌مند به ا ن پرسشها م تواند به ا ن مقاله مراجعه کند.

انتخاب مقالهها در ا ن شماره ک هدف را دنبال م کرده است: آشنا شدن با فلسفه ز ستناسی از طریق درگ ر شدن با مسائل مربوط و اصل. م د است ا ن شماره از اطلاعات حکمت و معرفت توجه به ا ن نوع فلسفه را در جامعه متفکر ا رانی افزون کند.

ابوتراب غما ی